نيم‌شب

پنجه‌ي سردِ باد در انديشه‌ي گزندي نيست

من اما هراسانم:

گويي بانوي سيه‌جامه

فاجعه را

          پيشاپيش

بر بامِ خانه مي‌گريد.

و پنجه‌ي بي‌خيالِ باد

در اين انبانِ خالي

در جُستجوي چيزي‌ست.

 ۱۳۳۸